

عضو کمیسیون فرهنگی شورای شهر در گفت‌وگو با «شرق»

شهر داری باید پاسخگوی وضعیت «تئاتر شهر» باشد

کیمیا امینیان: «ای وای «تئاتر شهر»... راست می‌گویید، همین‌جا بود. ندیدمش؛ چی پرسیدید؟» این، واکنش زنی جوان در میان شلوغی یک روز نیمه‌سرد و ابری پاییزی بود. به قصد خرید به چهارراه ولیعصر آمده بود که اینجا را در پاسخ به سوالم گفت، از او پرسیده بودم می‌دانید تئاتر شهر در چه وضعیتی است؟ در مقابل ایستگاه مترو ایستاده بودیم و پشت سرمان سایه‌بان پلکسی بدون طراحی مترو قرار داشت. پشت این حصار پلاستیکی، قلب ۴۱ ساله تئاتر ایستاده و زوال تدریجی خود را به نظاره نشسته است. زن بار دیگر برمی‌گردد و با تاسف سری تکان می‌دهد می‌گوید: «اینجا جقدر به هم ریخته است؟!»

این روزهاگر ساکن چهارراه ولیعصر هم نباشید، احتمالش هست که گذر تان به مهم‌ترین معبر پایتخت در تقاطع دو خیابان ولیعصر (عج) و خیابان انقلاب اسلامی بیفتد؛ خیابانی که علاوه بر مراکز تجاری با وجود نزدیکی به بزرگ‌ترین دانشگاه کشور یعنی دانشگاه تهران و دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد و وجود مراکزى چون تالار وحدت می‌توان آن را قلب فرهنگی شهر هم به شمار آورد اما این روزها ضربان این قلب تند، لابه‌لای ساخت‌وسازهای اطراف به شماره افتاده است. ساخت‌وسازهایی که انگار قرار نیست به پایان برسد و روز به روز به تعداد آنها افزوده می‌شود. بخش مهمی از این ساخت‌وسازها در رست در ورودی محوطه مقابل تئاتر شهر صورت می‌گیرد. جایی که چند سال پیش برای ایستگاه مترو در نظر گرفته شده بود و با وجود اعتراضات تئاتری‌ها و سازمان میراث فرهنگی که تئاتر شهر را ثبت ملی کرده است؛ نه‌تنها فقط در همین بخش خیابان ساخته شد، که برخلاف قولی که مسوولان قبلی قطار شهری داده بودند ایستگاه آن منظر بصری ساختمان تئاتر شهر را نیز مخدوش کرد. البته مسوولان مترو قصد داشتند هواکش مترو را هم که بدون طراحی بود در بخشی که برای اجرای تئاتر خیابانی در نظر گرفته شده بسازند که این‌بار شورای شهر تهران اجازه این کار را نداد. اما این تنها مشکل این روزهای این ساختمان نیست. از چند ماه پیش شهرداری تهران با هدف تسهیل ترافیک در این معبر مهم شهری اقدام به ساخت زیرگذر در این چهارراه کرد؛ زیرگذری که قرائن موجود حاکی از به پایان رسیدن ساخت آن دارد. نکته قابل توجه در ساخت این زیرگذر علاوه بر آشفتگی این معبر شهری-که با توجه به حجم ساخت‌وساز طبیعی است- برهم‌ریختن توازن و تعادل در مقابل تئاتر شهر است. مسوولان شهرداری در ابتدای ساخت این گذرگاه شهری اعلام کرده بودند که قصد دارند بخشی را که از سمت تئاتر شهر خارج می‌شود بدون نمای بیرونی به بهره‌برداری برسانند و از آن جایی که ایستگاه مترو نیز منظر بصری تئاتر شهر را برهم زده ورودی

آن را تخریب و به این زیرگذر متصل کنند. اما وضعیت این روزهای منطقه نشان می‌دهد که نه‌تنها شهرداری تصمیمی به اتصال این سازه به مترو ندارد که قصد دارد ورودی مجزا با طراحی بیرونی در اینجا بنا کند. در حال حاضر درست در بخش شمالی محوطه مقابل تئاتر شهر جایی که از سمت چهارراه به این محوطه وارد می‌شود، جایی که سه‌پایه تزیینی قرار دارد سازه‌ای فلزی نصب شده است و نشان از آن دارد که قرار است بقیه تکه‌های این ورودی نیز به زودی روی آن افزوده شود. ساخت این سازه باعث می‌شود تا منظر بصری این بنای ثبت‌شده در آثار ملی بار دیگر مخدوش شود و دیدش از غرب خیابان انقلاب اسلامی و جنوب و شمال ولیعصر کور شود. البته تئاتر شهر که این روزها بار دیگر در حال بازسازی است از مشکلات زیاد سازه‌ای رنج می‌برد، مشکلاتی که به گفته انابک نادری رییس این مجموعه، آن را در آستانه یک فاجعه پیش برده است. این سازه در ۱۰ سال اخیر با توجه به گذشت زمان و حجم ساخت‌وسازهای اطراف و گذر مترو از زیر آن با مشکل مهم سازه‌ای روبه‌رو است و بخش‌هایی از آن نیز ترک خورده است.

میدانی که دیگر میدان نیست

علی سردار افخمی معمار طراح تئاتر شهر، این سازه را با توجه به محدودون صحنه تئاتر سنتی ایرانی به صورت مدور طراحی کرد. ساختمان یک استوانه است که دایره‌ای با قطر دو برابر آن زیرزمین آن را احاطه کرده است. همین مدل در خارج از ساختمان نیز رعایت شد و در محوطه بیرونی ساختمان دایره‌ای بر محور حوضی که در مرکز این محوطه بود طراحی شد. این حوض برای آن طراحی شد که در



عکس: رضا مصطفیان، ایران‌تئاتر

مناسبت‌های مختلف توسط الوارهایی پوشانده شود و برای اجرای نمایش‌های سنتی ایرانی یا نمایش‌های خیابانی مورد استفاده قرار گیرد. سردار افخمی با الگوی کلوستوم‌های رومی جایگاه‌هایی برای تماشاگران طراحی کرد که تا پیش از استقرار قطار شهری در این منطقه در زمان اجراهای نمایش‌های خیابانی تماشاگران می‌نشستند. در زمانی که اجرا نبود نیز عابران و دانشجویان رشته‌های مختلف روی سکوهایی آن می‌نشستند، اما حالا مدتی است که کمتر خبری از دانشجویان در اینجا هست. چراکه این سکو نخستین بخشی بود که از ورودی تئاتر شهر کم شد. دو دختر جوان با کوله‌پشتی‌های بزرگ روی سکوی مقابل تئاتر شهر نشسته بودند. دانشجوی سال سوم تئاتر بودند. یکی از آنها از وقتی که تئاتر شهر را دیده بود همین وضعیت را داشت. اما آن یکی ظاهراً روزهای شادابی آن را دیده بود. گفت: «هر وقت که اینجا می‌آیم دلم می‌گیرد. آخر هر دانشجوی تئاتری به عشق اجرا در تئاتر شهر تمرین می‌کند. اما با وضعیتی که تئاتر شهر دارد فکر نمی‌کنم که وقتی به حدی برسیم که بتوانیم در تئاتر شهر اجرا کنیم دیگر این بنا وجود داشته باشد» پیرمردی که آن سوتر از نا‌منشسته بود گفت در گذشته تئاتر بازی می‌کرده است. از کارگردان شناخته‌شده‌ای نام برد که در تئاترهایشان بازی کرده بود. او از زمانی که اینجا کافه شهرداری بود هم یادش بود. از سالی که اینجا ساخته شد. می‌گفت: «در این سال‌ها اتفاق‌های زیادی برای این ساختمان افتاده. قبلاً پشت ساختمان زمینی بود که تئاتری‌ها مایشین‌هایشان را پارک می‌کردند. حالا آن مسجد ساخته شده است. اینجا هم قبلاً بزرگ‌تر بود حالا اینجا کوچک‌تر شده است»

البته همه اینطور نگران تئاتر شهر نیستند. زنی میانسال که به همراه دخترش به خرید آمده فقط از به هم‌ریختگی خیابان می‌گوید. مردی که عجله دارد تا به سر کارش برسد، می‌گوید: «خانم همه شهر پر از ساختمان‌های بلند شده شما پرسیدید به این ساختمان قدیمی؟ خب خرابش می‌کنند یکی دیگه جایش می‌سازند. اینکه غرب نیست؟» اما غریب است. چراکه وجود چنین ساختمانی با ایسن ویژگی‌های معماری باعث می‌شود مدیریت شهری به فکر حفظ و حراس‌ت از آن باشد. در شهرهای بزرگ دنیا وقتی ساختمانی شبیه این ساخته می‌شود سازه‌های شهری اطراف آن را متناسب با آن طراحی می‌کنند. اتفاقی که در ایران به دست فراموشی سپرده شده است.

تئاتر شهر روی می‌شورای شهر

اما به جز تئاتری‌ها این روزها نمایندگان مردم پایتخت در شورای شهر هم پیگیر وضعیت تئاتر شهر هستند. عبدالحسین مختاباد هنرمندی که این روزها بر کرسی نمایندگی شورا نشسته می‌گوید شهرداری باید جلو ساخت‌وسازهای بی‌رویه را در مقابل تئاتر شهر بگیرد. او در گفت‌وگو با «شرق» ضمن ابراز نگرانی از وضعیت این بنای فرهنگی می‌گوید: «باید دید که شهرداری با اجازه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان میراث فرهنگی ورودی زیرگذر را طراحی کرده است؟ اگر چنین‌هم باشد این نهادها باید در تصمیم خود بازبینی کنند و اجازه ساخت ورودی محسوس را به شهرداری ندهند». به گفته مختاباد، ساختمان تئاتر شهر نه‌تنها یک بنای فرهنگی که از میراث بارزش شهر تهران است و نباید کاری کرد که از اعتبار آن کاسته شود. او از تدوین تذکر کتبی کمیسیون شورای اسلامی شهر تهران به شهرداری برای رسیدگی به وضعیت تئاتر شهر خبر داد و افزود: «ما در کمیسیون فرهنگی شورای شهر پیگیر تئاتر شهر هستیم و از شهردار تهران می‌خواهیم که به ساخت‌وسازهای اطراف تئاتر شهر پایان دهد. در آینده نزدیک هم قرار است جلسهای با شهردار تهران و مسوولان شهری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار کنیم و بخواهیم تا شهرداری علاوه بر پایان‌دادن به این ساخت‌وسازها در بازسازی تئاتر شهر کمک کند». تئاتر شهر مهم‌ترین بنای تئاتری کشور است که ۴۱ سال پیش به جای کافه شهرداری ساخته شد و در حال حاضر با چهار سالن فعال مرکز تئاتر حرفه‌ای است. اگر روزگاری با مشکلاتی روبه‌رو شود جریان تئاتر ضعیف و کم‌جان که به همت هنرمندانش پایدار مانده از کار می‌افتد. باید منتظر هفته‌های آینده ماند تا دیدد بورداشناسی‌های تئاتر کشور و مهم‌ترین ساختمان آن تمام می‌شود و استوانه چهارراه ولیعصر بار دیگر به روی عابران می‌خندد؟

پشت‌بوم

مدیرانی که اشتباهی آمده بودند



حسین عبد‌الهاشمیور

● در «دولت فرهنگی» با جیب خالی هم می‌توان رویداد ساخت. شاید در دنیای امروز، چنین ادعایی عجیب به نظر برسد اما آموزه‌های جهانی، هوشمندی مدیر«دولت فرهنگی» را در جذب منابع و تهییج پتانسیل‌هاصل می‌داند، آن سان که دولت با تلاه‌پردازی بخش خصوصی، گام‌های بلندی بر می‌دارد که محال است با بودجه اندک دولتی به سمتش رفت. حضور معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حراج کریستیز نمونه‌ای شاخص بر این ادعاست. ۱- «بودجه نداریم لذا بازنامه‌ای نداریم، کاری نداریم.» این عبارت، خاصه تئوری «فرهنگ دولتی» است. مدیرانی که همه ابتکارشان ته جیب‌های‌شان است و به مدیر حسبالاری شبیه‌ترند تا یک مدیر فرهنگی! مدیران بودجه‌اند و مدیریت هزینه می‌کنند؛ لابد در همه دولت‌های پیشین چنین مدیرانی سراغ داشته‌ایم! اما از روی انصاف در هشت سال گذشته جامعه هنری از هجوم سیل‌آسای چنین مدیرانی جان به لب شد. فرهنگ دولتی، مدیرانش را از متن جامعه هنری جدا می‌کند و الگوی منسوخ شده «هنر سفارشی» را پیشه‌قرار می‌دهد و بی‌توجه بی (بی اطلاع) به تحولات دنیای هنر، به پشتوانه گاو صندوق بودجه‌های دولتی، رویدادهای ابر و فاقد قدرت جریان‌سازی خلق می‌کند. او هیچ‌گاه نمی‌بیند از دری که رویداد صدرصد دولتی وارد می‌شود، خلاقیت و نوآوری از پنجره بیرون می‌رود کما اینکه همه این هشت سال رفت، اهالی رسانه و هنر فریاد بر آوردند و مدیران «فرهنگ دولتی» گویا نشنیدند!

۲- «برهیزر از «فرهنگ دولتی»» و وعده تحقق «دولت فرهنگی» بی‌سبب میثاق محوری رییس‌جمهور و جامعه هنری نشده، هنرمندان دیدند در حالی که دولت گذشته به پشتوانه درآمـد مولتی‌میلیاردی نفتی، می‌توانست کمبودهای اساسی زیرساخت‌ها را برطرف کند و زمینه‌ساز دگرگونی بنیادین در احداث سالن‌های نمایش موسیقی یا موزه‌های بزرگ هنری شود، به دام رویدادپروزی‌های بیهوده و تاسیس نهادهای موازی بود‌و‌خودچره افتاد که امروز پیداست جز اتلاف بیت‌المال هیچ راه‌وادی نداشته است؛ «فرهنگ دولتی» بر اساس بافت فکری اش خود را «عقل کل» تصور کرد و با بی‌اعتمادی به بخش خصوصی و کنار گذاشتن آن، خود را بر مصـر همه امور نشانـد: خودش سیاست‌گذاری کرد، خودش مجری‌گری کرد، لذا گاهی خودش تنها مخاطب رویدادهایش بود! به قولی «خود گفت و خود خندید و به خود گفت عجب دولت هنرمندی!» نمونه در این باب چنان فراوان است که شمارش آن از حوصله خارج است؛ از تاسیس فروشگاه آثار هنری گرفته تا فیلم چند میلیاردی لاله و سه آکسپوی دولتی ناقض الخلقه که هر روز هفت نگه توقیف شد تا آکسپوی ناکارآمد دولت، بازار هنر را سنگ روی یخ کند یا آن دوسالانه نقاشی که بدون خجالت، انجمن نقاشان را حذف کرد یا آن «آکسپوی مجازی دولتی» که در شش ماه دو سه اثر فروخت؛ و آن همه گلابیه و شکایت‌های هنرمندان همه صنوف و بخش‌ها که هر روز کاغذ دهـهـا روزنامه مستقل را سیاه می‌کرد. غافل از اینکه «فرهنگ دولتی» بر مبنای استراتژیـش، مدیرانی را بر مسند نشانده بود که از سر تصادف مدیر هنری شده بودند. ۳- ایـن روزها قرار است در به روی پاشنه دیگری بچرخد، «دولت فرهنگی» دلخواسته جامعه هنری ایران است؛ و انگاری امور هنر به هنرمندان، احیای انجمن‌های هنری، تشکیل صنوف و اتحادیه‌های هنر که در این میان گالری‌داران یک ماه پیش اسـترت زده‌اند.

در چنین زمانه نوینی، مدیری که اعلام کند به دلیل کمبود بودجه، برنامه‌های روتین ادارـه‌اش اجرا نمی‌شود، وصله ناجوری است که به کل از قافله عقب افتاده است و بدون تردید صدای انتخایات، صدای مردم را نشنیده است، بجاست از چنین مدیری پرسیده شود دو راهکار اولیه جلب سرمایه از بخش خصوصی و نیز طراحی رویدادهای مشارکتی که بدیهی و ابتدایی به نظر می‌رسد چگونه خاطر مبارکشان رفته است؟! شاید کار کردن در اتمسفر «فرهنگ دولتی» و نیز وابستگی تام و تمام به بودجه‌های نفتی، اینگونه راهبردها را از یاد برخی دوستان برده است!

حیرت جامعه هنری از خواندن چنین مصاحبه‌هایی آنجایی دوچندان می‌شود که می‌بیند مدیری در رسانه‌ها تپتر می‌دهد: «به دلیل کمبود بودجه، اسـمال هیچ برنامه هنری ویژه محرم و عاشورا نداریم» راستش برای چنین ادعای ۱۰ تا علامت تعجب هم بگذارم کم است. محرم و عاشورا «مردم نهاند» و مدیرانی که نتوانند برای اینگونه مناسبت‌ها، حامی و اسپانسر بیابند، بی‌تعارف اشتباهی آمده بودند.

۴- امید به «دولت فرهنگی» با حضور مستمر مدیران در متن جامعه هنری پورنگ است. این روند باید با ریل‌گذاری مجدد عرصه فرهنگ و هنر و نیز حضور مدیران کاردانی که نبض جریان‌های هنری را می‌شناسند تسریع شود؛ این تحول بیش از آنکه به بودجه نیاز داشته باشد به تغییر نگاه و دگرگونی در سیاست‌ها نیاز دارد؛ روندی که این روزها طلیعه‌های آن در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به طور مثال مجموعه‌های گالری‌گردی معاون هنری این وزارت تجلی یافته است. مدیران هنری به میان هنرمندان بازگشته‌اند و با جیب خالی رویداد می‌سازند، کلفی است ابتکار عمل در پانزدهمین حراج کریستیز مورد توجه مدیران بازمانده از تسویری فرهنگ دولتی قرار گیرد، آنجایی که تنها یک اثر پرسویلس ۲ پرویز تناولی حدود سه میلیارد تومان (معادل یک سال بودجه مرکز هنرهای تجسمی ارشاد) خریداری می‌شود و حضور معاون هنری در این حراج منطقه‌ای و باز تعریف نقش دولت در حمایت از بخش خصوصی و پشتیبانی از رکوردهای بین‌المللی هنرمندلمان، چنان به کام همه شیرین می‌آید که جیب خالی دولت فراموش می‌شود.

گزارش روز

ژولیت بینوش اهداکننده جایزه به «ماهی و گریه» ایرانی

جایزه بهترین فیلم «لیسبون» در دستان مکری

شرق: شهرام مکری، کارگردان جوان ایرانی بعد از درخشش در بخش افق‌های هفتادمین جشنواره فیلم ونیز، توانست با فیلم «ماهی و گریه» در جشنواره «لیسبون» پرتغال موفق به کسب جایزه بهترین فیلم شود. جشنواره فیلم «لیسبون» در حالی شامگاه ۲۷ آبان با اعلام بهترین‌هایش به کار خود پایان داد که فیلم «ماهی و گریه» به کارگردانی شهرام مکری از ایران موفق شد جایزه بهترین فیلم را از این جشنواره دریافت کند. جایزه این فیلم را ژولیت بینوش، بازیگر مطرح فرانسوی به مکری اهدا کرد. «ماهی و گریه» در کنار ۱۱ فیلم مطرح دیگر از کشورهای مختلف دنیا در این جشنواره به نمایش درآمد و در نهایت با نظر هیات داوران، جایزه بهترین فیلم این جشنواره به «ماهی و گریه» اهدا شد.

سه فیلم از فستیوال برلین به نام هایسیه نوکا محصول کشور آلمان، ویکتوریا و فلورانس- اره و خرس محصول کشور کانادا و بچه‌گریه کنجکاو از آلمان به‌همراه سه فیلم از فستیوال کن، بالای بلندی محصول فرانسه با بازی ایزابل هوبر از بخش هفته کارگردان کن، ایستادن ضربان قلب محصول کشور آمریکا از بخش خارج مسابقه کن، نبرد سولفرینو از هفته منتقدان کن محصول فرانسه و دو فیلم از فستیوال لوکارنو به نام‌های وقتی شب در بخارست سقوط می‌کند و ۱۲ سالگی کوتاه است، محصول آمریکا رقبای اصلی «ماهی و گریه» بودند. استقامت تماشاگران فیلم «ماهی و گریه» در جشنواره لیسبون پرتغال خارج از انتظار بود و آنها ساخت این فیلم را از سوی کارگردان ایرانی ستودند.



عکس: سایت جشنواره لیسبون

چهره روز

اخراج آثار هنرمندان ایرانی از حراج جده

سانسور در عربستان

دامن «پیرهاشمی» را هم گرفت



● **شرق:** حراج یانگ کالکتور گالری «ایام» در حالی ۲۱آبان در شهر جده عربستان برگزار شد که اداره فرهنگ این کشور ۳۲تقاضی، مجسمه و عکس از ۳۸قطعه ارایه‌شده در حراج را از مزایده خارج کرد. اداره فرهنگ عربستان در برابر بازخواست رسانه‌های عرب، عدم‌انطباق محتوایی این قطعات با موازین روشن مذهبی و فرهنگی پادشاهی این کشور را دلیل این ممیزی دانسته است. در میان ۲۰اثر سانسورشده، دو اثر از افشین پیرهاشمی هنرمند رکورددار ایرانی و عبدالناصر غرام هنرمند معترض سعودی و نیز آثاری از خالد الجزار، محمد بزرگی، حلمد صحیحی، مهدی نبوی، نعیم اسماعیل، خالد ذکی، عمار البیک و منال الدوایان دیده می‌شود. در این میان، بیرون آوردن اثر پیرهاشمی، هنرمند ایرانی که با گالری «ایام» هم قرارداد همکاری دارد، حایزاهمیت است. پیرهاشمی به‌تازگی بعد از چند دوره غیبت در دومین شب حراج کریستیز دویی، با تابلویی دودرچهارمتر تحت‌عنوان «بازگشت» دوباره نگاه‌ها را معطوف خود ساخت؛ تابلویی که صرف‌نظر از فروش ۱۶۱هزاردلاری، همراهی‌اش با «پیامی سیاسی» برای مخاطبان و دوستداران هنر جالب توجه بود. این تابلو که ماحصل نگاه تازه هنرمند به رخدادهای سیاسی خاورمیانه است، بزرگ‌ترین اثری است که پیرهاشمی ۳۹ساله تا به‌امروز اجرا کرده، او مفهوم گذر زمان و تغییر را در این تابلو با روش خاص خود به تصویر کشیده. مفهوم مبارزه برای آزادی با قراردادن نمادین مجسمه آزادی در پس‌زمینه انبوه زنان حاضر در تابلو، درجیحای را به روی مخاطب می‌گشاید تا از طریق آن، به دریافتی سمبلیک از آب و هوای سیاسی امروز جهان برسد. این رویکرد با کاربست دو رنگ سیاه و سفید در واقع بازی تقابل‌های سیاسی را در منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد. مصادیق آن البته گوناگون است؛ از رویارویی کشورهای عربی با یکدیگر خصوصاً در جریان انقلاب‌های کشورهای عربی تا اتفاقات سیاسی دیگر نقاط دنیا.

م/الف ۳۷۷۸

سامانه ارتباطات مردمی

اداره کل روابط عمومی وزارت نفت

به شماره

۰۹۶۸۷۰

بصورت شبانه روزی آماده دریافت و پیکیری نظرها

و پیشنهادهای هموطنان ارجمند پیرامون مسائل

مرتبط با صنعت نفت می باشد.

هموطنان گرامی می توانند پاسخ سوالات خود را

نیز از همین طریق پیکیری و دریافت کنند.

نشانی: پایگاه اطلاع رسانی وزارت نفت: WWW.MOP.IR

پست الکترونیک: info@mop.ir ■ شماره دورنویس: ۶۶۴۹۱۴۰۱

اداره کل روابط عمومی وزارت نفت